گفت و گو با لوریس چکناواریان

من متخصص نیستم عاشق موسیقی ام

گفت و گو از حمید هنری

اشاره:
ارکستر سازهای زهی ارمنستان و ارکستر سمفونیک تهران را رهبری هدایت می‌کند که برای موسیقی ایران نامی آشناست، در یکی از روزهای جشنواره به سالن رودکی محل تمرین ارکستر ارمنستان رفتم چهره دوست داشتنی و خندانش همه را به خودجذب می‌کند، در میان گروهش هنوز نکاتی را گوشزد می‌کرد. با «لوریس چکناواریان» رهبر میهمان ارکستر سمفونی تهران در جشنواره موسیقی فجر گفت و گوی انجام داده ایم که می‌خوانید:

تمرینهایی از رهبری ارکستر سمفونی و اینکه یک رهبر خوب ارکستر چه شاخصه‌هایی را دارا می‌باشد؟

رهبر ارکستر باید یک لیدر باشد تا بتواند ارکستری را اداره بکند و باید موزیسین خوبی باشد و با تمام سازها از لحاظ علمی آشنایی داشته باشد، یک رهبر خوب باید آهنگ اجرا را با احساسات کمک با تند کند و با سولیس همراهی داشته باشد. در دنیا بهترین رهبرهای ارکستر از سن ۶۰-۷۰ سالگی شروع به کار می‌کنند و یک رهبر ارکستر باید ۳۰ سال تجربه داشته باشد تا بتواند ارکستری را هدایت کند.

رهبرهای ارکستر در کشورهای مختلف دنیا از ملیت های دیگرند، این مورد چگونه شکل گرفته است؟

موسیقی بین‌المللی است و در موسیقی ملیت وجود ندارد در هیچ جای دنیا ارکستری از یک مملکت تشکیل نشده، از ملیت های مختلف شکل گرفته، امروزی هر ارکستری ملیتهای دنیا هستند. من فقط در ارکستر سمفونی تهران رهبر میهمان هستم و همین... **سومین حضور شما در جشنواره موسیقی فجر از امسال و با رهبر دو ارکستر شاهد هستیم، جشنواره موسیقی فجر را در این مدت چگونه دیدید؟**

هر مملکتی سعی دارد فستیوال های مختلف داشته باشد چون در فستیوال ها ارتباط بین کشورها و تبادل فرهنگی برقرار می‌شود. در جشنواره فجر ایران گروه‌های مهم دنیا می‌آیند و فرهنگ خودشان را نشان می‌دهند و فرهنگ ما را می‌بینند و مردم هم با آنها آشنا می‌شوند و من امیدوارم این نوع جشنواره‌ها زیاد شود حتی روزی در پرسپولیس، اصفهان و شهرهای دیگر شاهد برپایی جشنواره موسیقی باشیم. خودم فکر می‌کنم در بروجرد که زادگاه من است روزی فستیوال اجرا کنم.

اصولاً فستیوال‌ها چیز بسیار مفیدی است و یک هدف را دنبال می‌کند و فجر هم هر سال برای رسیدن اهداف خود پیشرفت می‌کند و این را بگویم فستیوال خیلی خوب در دنیا میلیون‌ها دلار هزینه دارد و بودجه هنگفتی را می‌طلبد مثلاً فستیوال سالیسبورگ ۱۵۰ میلیون دلار و هزینه دارد و این بودجه در ایران وجود ندارد پس جشنواره فجر یک کار فوق‌العاده است و من احساس پیشرفت زیاد می‌کنم.

آیا حضور شوالی سه دوره‌ای شما در جشنواره موسیقی فجر ارزش گذاری بالا شما نسبت به این جشنواره است؟

من فقط میهمان هستم و کاری ندارم که دوستان دیگر چرا نیستند نیم فوتبال سعی می‌کنند تهران رهبر میهمان هستم و همین... **سومین حضور شما در جشنواره موسیقی فجر از امسال و با رهبر دو ارکستر شاهد هستیم، جشنواره موسیقی فجر را در این مدت چگونه دیدید؟**

هر مملکتی سعی دارد فستیوال های مختلف داشته باشد چون در فستیوال‌ها ارتباط بین کشورها و تبادل فرهنگی برقرار می‌شود. در جشنواره فجر ایران گروه‌های مهم دنیا می‌آیند و فرهنگ خودشان را نشان می‌دهند و فرهنگ ما را می‌بینند و مردم هم با آنها آشنا می‌شوند و من امیدوارم این نوع جشنواره‌ها زیاد شود حتی روزی در پرسپولیس، اصفهان و شهرهای دیگر شاهد برپایی جشنواره موسیقی باشیم. خودم فکر می‌کنم در بروجرد که زادگاه من است روزی فستیوال اجرا کنم.

اصولاً فستیوال‌ها چیز بسیار مفیدی است و یک هدف را دنبال می‌کند و فجر هم هر سال برای رسیدن اهداف خود پیشرفت می‌کند و این را بگویم فستیوال خیلی خوب در دنیا میلیون‌ها دلار هزینه دارد و بودجه هنگفتی را می‌طلبد مثلاً فستیوال سالیسبورگ ۱۵۰ میلیون دلار و هزینه دارد و این بودجه در ایران وجود ندارد پس جشنواره فجر یک کار فوق‌العاده است و من احساس پیشرفت زیاد می‌کنم.

آیا حضور شوالی سه دوره‌ای شما در جشنواره موسیقی فجر ارزش گذاری بالا شما نسبت به این جشنواره است؟

من فقط میهمان هستم و کاری ندارم که دوستان دیگر چرا نیستند ولی موسیقی ایران نامی آشناست، در یکی از روزهای جشنواره به سالن رودکی محل تمرین ارکستر ارمنستان رفتم چهره دوست داشتنی و خندانش همه را به خودجذب می‌کند، در میان گروهش هنوز نکاتی را گوشزد می‌کرد. با «لوریس چکناواریان» رهبر میهمان ارکستر سمفونی تهران در جشنواره موسیقی فجر گفت و گوی انجام داده ایم که می‌خوانید:

تمرینهایی از رهبری ارکستر سمفونی و اینکه یک رهبر خوب ارکستر چه شاخصه‌هایی را دارا می‌باشد؟

رهبر ارکستر باید یک لیدر باشد تا بتواند ارکستری را اداره بکند و باید موزیسین خوبی باشد و با تمام سازها از لحاظ علمی آشنایی داشته باشد، یک رهبر خوب باید آهنگ اجرا را با احساسات کمک با تند کند و با سولیس همراهی داشته باشد. در دنیا بهترین رهبرهای ارکستر از سن ۶۰-۷۰ سالگی شروع به کار می‌کنند و یک رهبر ارکستر باید ۳۰ سال تجربه داشته باشد تا بتواند ارکستری را هدایت کند.

رهبرهای ارکستر در کشورهای مختلف دنیا از ملیت های دیگرند، این مورد چگونه شکل گرفته است؟

موسیقی بین‌المللی است و در موسیقی ملیت وجود ندارد در هیچ جای دنیا ارکستری از یک مملکت تشکیل نشده، از ملیت های مختلف شکل گرفته، امروزی هر ارکستری را نگوییم مردمی که می‌آیند ارکستر، تنوع را دوست دارند.

ارکستر سمفونی تهران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

شرکت نمی‌کنند، من خودم خیلی راضی‌ام در مملکت خودم مرتب کنسرت اجرا کنم و هر دفعه دوست دارم بهترین کار را انجام دهم و این موقعیت ایجاد شود تا دوباره مرا دعوت کنند.

هر هنرمندی دوست دارد کارش را ارائه بدهد و من برای تشکیلات یک میهمان هستم و نسبت به خواست مرکز موسیقی دعوت می‌شوم و این دعوت وقتی چند بار انجام می‌گیرد مبین آن است که مردم می‌آیند گوش می‌کنند و مسؤولان جشنواره به خاطر اینکه به دنبال خدمت به مردم هستند و نمی‌خواهند سالن‌هایشان خالی بماند و مردم اعتراض کنند و نیایند، خواست مردم را انجام می‌دهد، و مسؤولان جشنواره این را احساس کردند و مرا دعوت نمودند و امیدوارم سال‌های سال به مردم خدمت کنم.

شما به عنوان رهبر ارکستری که به طور مشترک در کشور تشکیل شده، این مشارکت چه چیز را برای موسیقی ما به ارمغان می‌آورد؟

ارتباط با فرهنگ‌ها اینجا اهمیت دارد، سال گذشته ما از ترکیش ۲۰ نفر را داشتیم امسال هم از ارمنستان و شاید سال دیگر از روسیه و هیچ منظوری در انتخاب کشورها نیست و فقط ارتباط فرهنگی مهم است.

جناب چکناواریان شما به عنوان رهبر میهمان در ارکستر تهران این ارکستر را دوچند ساله اخیر چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در این ارکستر مشکل وجود دارد و اولین آن نبود ساز خوب است و بعد مساله اقتصادی که بودجه خوبی نیست که موزیسین کار خودش را در نسبت های مالی نیستند تا ما بتوانیم موزیسین خوب از کشوری دیگر بیاوریم. اصولاً ارکستر یک بودجه گران می‌خواهد. ارکستر همیشه ۹۰ درصد ضرر دارد و در کشورهای دیگر ارکستر ها حمایت می‌شوند از طرف شهرداری، مردم، مؤسسات بازرگانی و... به خاطر اینکه فرهنگ آن کشور را نگه دارند چون برای جذب توریسم مهم است و برای مردم، مثلاً اپرای وین در سال، ۳۰۰ روز اجرا دارد و درآمدش فقط کفاف دربان ها را می کند و ۹۰ درصد ضرر است.

چون بودن افراد موزیسین در ارکستر خوب است و خوب هم نیست و باید تجربه کسب کند ولی در کار خوبی انجام می‌شود. فرهنگ خوب هیچگاه با بودجه ارتباط دارد، امروزه دوست دارند برای فرنتال پول خرج کنند ولی برای موسیقی، تئاتر متأسفانه نه؟

موسیقی که به عنوان مصرف ایرانی می‌توان نام برد در چه جایگاهی اکنون قرار گرفته؟

این سؤال را باید متخصصان جواب بدهند، من متخصص نیستم، من عاشق موسیقی هستم.

ارتباط شما با دیگر رهبران ارکستر تهران چگونه است؟

رهبران ارکستر در دنیا همدیگر را به خاطر برخورد زمان اجراها با هم یکدیگر را نمی‌بینند ولی به آقای قشایلی، روحانی و فخرالدینی من ارتباطی خوب دارم. و دوست هستیم.

بعد از اتمام جشنواره و به طور کلی در سال آتی چه برنامه‌هایی را خواهید داشت؟

روی سمفونی «رستم و سهراب» کار می‌کنم و خوشبختانه که برای اولین بار شیرین و فرهاد را اجرا کردم که این موسیقی هم دارا احساسات شعر بود و خیلی موفق، انشاء الله دراینده داستان های مهم ایران را با ترکیب شعر، موسیقی و حرکت انجام می‌دهیم، به هر حال اپرای رستم و سهراب را دردست کار دارد و شاید در جشنواره هجدهم اجرا کنیم.

خودم فکر می‌کنم در بروجرد که زادگاه من است روزی فستیوال اجرا کنم

موسیقی بین‌المللی است و در موسیقی ملیت وجود ندارد در هیچ جای دنیا ارکستری از یک مملکت تشکیل نشده است

جناب چکناواریان خیلی متشکریم که وقتتان را در ایام اجرای جشنواره به ما دادید

سپاسگزارم.

گفت وگو با مجید کیانی

موسیقی ایرانی خیلی باشکوه است

آقای کیانی شما در شانزده دوره گذشته جشنواره موسیقی فجر به چه شکلی حضور داشتید؟

در ابتدا جشنواره فجر به صورت نواحی و مسابقه‌ای انجام می‌شد و من از دومین جشنواره به عنوان داور حضور داشتم. اولین جشنواره‌های فجر شامل دو بخش ایرانی بود یکی سنتی ایرانی دیگر موسیقی نواحی، که در تک نوازی و گروه نوازی مورد داوری قرار می‌گرفتند تا اینکه به تدریج شکل بین‌المللی به خود گرفت که بخش موسیقی نواحی کنار گذاشته شده است، که من معمولاً در این سال‌ها فقط یک برنامه پژوهشی ارائه می‌دهم.

تفکیک جشنواره محلی، جوان، و جاذب جشنواره کاملاً جشنواره فجر را چگونه می‌بینید؟

از یک جهت بهتر است ولی با مرور زمان شکل بهتری خواهد گرفت و ظاهراً هم جشنواره از امسال داری یک دبیرخانه دائمی در مرکز موسیقی خواهد داشت همچنین از لحاظ تشکیل جشنواره‌ها خیلی مفید است. ولی اگر جشنواره فجر بتواند مجموع این سه بخش را در خود بگنجاند خیلی بهتر می‌شود. بخش موسیقی محلی، موسیقی دشگاهی و موسیقی کلاسیک در کنار هم، اما در جشنواره امسال شاهد هستیم که بخش موسیقی کلاسیک خیلی گسترش پیدا کرده و بخش‌های دیگر حضور کمرنگ دارند و این مشکل اگر حل شود جشنواره، فوق‌العاده می‌شود.

در هفته گذشته برنامه‌ای با عنوان ۱۰۰ سالگی ستور را اجرا کردید، شکل گیری این برنامه چگونه انجام شد؟

این برنامه از طرف مرکز موسیقی به من پیشنهاد شد و برای اولین بار است که از من خواسته شده و دلیل آن هم مقارن شدن یکصدمین سال تولد (۱۲۸۰) حبیب سماعی از هفدهمین جشنواره موسیقی فجر و مرکز هم از این مهم گذشته و با پیشنهاد به من که در شیوه حبیب سماعی ۲۵ سال است کار می‌کنم این برنامه شکل گرفت ولی با عجله، این برنامه بررسی شیوه‌های مختلف ستورنوازی در ۱۰۰ سال گذشته بود که به طور پژوهشی انجام گرفته بود، ولی از آنجا که برنامه‌های من همراه با اجرای نیز می‌باشد، این برنامه ها با شرح و اجراء انجام گرفت.

هدف از اجرای این برنامه پژوهشی در دل جشنواره چه بوده؟

هدف اصلی شناساندن اساتید بزرگ موسیقی ایرانی به جوانان می‌باشد که بدانند چه شیوه‌هایی در ستورنوازی بوده و اساتیدی که کار کردند چه کسانی بوده‌اند و این شیوه‌ها در شناخت کدام درست است. در این بررسی سه نوع شیوه شناخته است اولی شیوه قدیمی (میکب حبیب سماعی) است که شیوه بدون خیم و حفظ شده می‌باشد. شیوه دومی که مضرابهایی برای لذت بردن استفاده می‌کند. (مجلس آرائی) و آخر هم شیوه تلفیقی که ترکیب موسیقی مادون و قدیم است که این شیوه از مکتب استاد وزیری شروع می‌شود که این شیوه برای تحول موسیقی ایران به وجود آمده است.

دیدگاه شما نسبت به موسیقی معرف ایرانی در دو دهه گذشته چیست؟

اولین مشکل ما سر واژه «معرف» است این کلمه معانی متفاوت دارد، علی به معنی دولتی یا غیر دولتی یا ناسیونالیستی، ما در تاریخ موسیقی هیچگاه موسیقی ملی نداشتیم، فقط موسیقی ایرانی بوده، اتفاقاً موسیقی ملی آنجاها هم ملی نیست ولی موسیقی ترکیبی را که از اروپا آمده را موسیقی ملی می‌خواستند، همین کنسرتو ملی از سازهایش گرفته تا رهبری، حتی قطعات هم بین‌المللی است و این را موسیقی ملی تلقی می‌کنند، اما موسیقی دشگاهی، ظاهری، موسیقی ملی است و تعریف من این چنین است و مردم هم دوست دارند و کار بردند خاص خود را دارد. باید اضافه کنم که ارکستر ملی در این سال‌ها که جناب فخرالدینی کار می‌کنند بسیار باشکوه است.

جشنواره موسیقی فجر را از لحاظ محتوی و اجرا چگونه ارزیابی می‌کنید؟

من از ابتدا در جشنواره فجر هیچ‌گونه دخالتی در برنامه‌ریزی نداشتم و فقط در بحث داوری و پژوهشی همکاری کرده‌ام ولی در داوری‌ها همان پیشنهادهایی را مکرراً می‌دهیم که بعضی از آنها در سال بعد اجرا نمی‌شود، انگار ما پیشنهاد داده‌ایم و کسی گوش نداده، من هم مثل شما و هر ایرانی موزادی را می‌بینیم که برایم خوشایند نیست و این برمی‌گردد به مسؤولان جشنواره که چه صلاح می‌دانند، به طور مثال پوستر جشنواره امسال که چاپ شده پوستر یک اثر هاشمی‌فر جشنواره است، پوستر های دو سال گذشته کاملاً عربی اند. در این پوسترها هیچ نشانه‌ای از فرهنگ موسیقی ایرانی سی‌بینیم «من که در بخش موسیقی دشگاهی فعالیت می‌کنم برایم خوشایند نیست. پوستر از نظر رنگ بندی خوب ولی از نظر فرهنگی درست نیست، ولی این پوستر مثلاً در فستیوال برلین پخش می‌شد خیلی جالب بود این گونه آثار برای مردم هم هضم نمی‌شود و باید این مسائل به یک شکل فرهنگی هم تلقی شود.

نظرتان درباره حضور جوانان در عرصه موسیقی بخصوص در جشنواره فجر چیست؟

تا آنجایی که من از وضعیت جوانان مطلع هستم به عنوان مدرس در دانشگاه ها و کلاس های مختلف خیلی خوب کار می‌کنند ولی یک آشفتگی ذهنی وجود دارد که برای موسیقی هنری حمایت نمی‌شوند و گرایش به موسیقی عامه‌پسند پیدا کرده‌اند این مساله برای ما قدیمی‌ها آزارهنده است دلمان می‌خواهد بخش موسیقی سنتی جنبه جدی بگیرد.

حضور شما در بحث تئوری و عملی موسیقی است، اساساً خود شما به کدام حیطه تعلق دارید؟

آن چیزی را که من از کودکی سراغ دارم موسیقی است، موسیقی را دوست دارم و هر موسیقی که زیبا باشد گوش می‌کنم و درباره‌اش صحبت می‌کنم از آثار کلاسیک تا موسیقی مشرق زمین.

من از نظر فلسفی موسیقی را به دو نوع تقسیم می‌کنم، موسیقی تفریحی و عامه پسند، موسیقی هنری وجدی و تزجیحاً وقتم را برای موسیقی جدی می‌گذارم و دوست دارم موسیقی باشد دارا بجگی دلم می‌خواست یک موسیقیدان باشم و نوازنده سنتور. من در سنی بودم که رقابی مطالعه می‌کردم می‌گفتند موسیقی سنتی ناقص است وچون علاقه‌مند بودم نوازندگی کنم باید تحقیق می‌کردم و این چیزها باعث شد شروع به تحقیق موسیقی کنم.

دیدم چنین نیست، موسیقی ایرانی خیلی باشکوه است واستخوانم و زیبایی چشمگیری را دیده که حدود ۳۰ سال است هم تحقیق می‌کنم و هم می‌نوازم و در همین رابطه رساله ۱۰۰ سالگی سنتور را به صورت پژوهشی و اجرایی ارائه دادم و مطمئن هستم ارتباطی که می‌خواهم ایجاد شده است.